

قراردادهایی که با خون کارگران نوشته می شوند

این روزها آگهی های زیادی را در روزنامه ها مشاهده می کنید با عنوان "واگذاری پروژه ی ملی به بخش خصوصی"، که ملت! را دعوت می کنند به شرکت در مزایده. البته منظور از این ملت تنها آن ۱۰ درصدی است که توانسته اند از قبل دسترنج طبقه ی کارگر و ستمدیده بر فاصله ی طبقاتی خود با مردم به طور روز افزون بیفزایند.

مزایده با شرکت قابل توجه ای از پیمانکاران برگزار می شود و برنده ی مزایده کسی است که بیش ترین قیمت را پیشنهاد می کند. در این میان نکته قابل توجه این است که برخلاف تمایل خریدار به حداقل پرداخت ممکن در برابر کالای مورد نظر، رقابت میان شرکت کنندگان بر قیمت می افزاید. مطمئناً سرمایه داری که با در نظر گرفتن تمام جوانب و محاسبات دقیق وارد رقابت شده است دچار حماقت نخواهد شد، سود سرمایه در هر شرایطی باید محفوظ بماند.

در این جا است که بعد از واگذاری پروژه ی ملی! این بار مزایده ی دومی برگزار می شود که در طی آن مشاغل توسط پیمانکار به مزایده گذاشته می شوند، اما برخلاف آنچه که در واگذاری اول رخ داد، این بار کارگری که در برابر پایین ترین دستمزد حاضر به فروش نیروی کارش شود، کار را بدست می آورد. حال به وضوح آشکار می شود که بالا بردن قیمت در رقابت اول به چه پشتوانه ای صورت گرفته است. هرچه پروژه ی ملی! را با قیمت بالاتری

تصاحب کنند، این کارگر است که باید کار اضافی بیش تری برای سرمایه دار انجام دهد تا سود سرمایه را تضمین کند.

سرمایه دار هیچ گاه نگران پیدا کردن چنین نیروی کاری نیست. در کشوری که هر ساله بر ارتش بیکاران به طور تصاعدی افزوده می شود، همیشه کارگرانی هستند که در مقابل ناچیزترین دریافتی نیروی کار خود را واگذار کنند. بخصوص در مناطق محرومی که گزینه های انتخابی پیش روی کارگر انگشت شمار است. کارگر مجبور می شود میان گرسنگی و بردگی مدرن، آنی را انتخاب کند که در حقیقت مرگ تدریجی است.

واگذاری پروژه ی ملی! به بخش خصوصی این مزیت را دارد که دیگر کارگر استخدام دائمی در کار نخواهد بود تا بتواند با توصل به قوانین کار استثمار سرمایه دار را تعدیل کند. حال کارگر مجبور است با سرمایه دار بخش خصوصی قرارداد کاری را ببیند که خود در تعیین شرایطش دخالت ندارد.

پیمانکار از تمامی امکانات و برتری اش استفاده می کند برای بالا بردن نرخ ارزش اضافی، بدون آن که فرسودگی کارگر و امنیت جانی او برایش اهمیتی داشته باشد. بسیاری از کارفرمایان با وعده ی استخدام دائم کارگر را فریب می دهند تا حاضر شود در مقابل کار اضافی بیش تر، دستمزد اندکی دریافت کند. اما بعد از اتمام مدت قرارداد با پیش کشیدن بهانه های واهی چون مورد رضایت نبودن کار کارگر او را در اختیار سایر سرمایه داران قرار می دهند تا آن ها نیز در استثمار کارگر سهیم شوند.

در این میان طبقه ی کارگر کشور غیردموکراتیکی چون ایران از هیچگونه پشتیبانی برخوردار نیست، قوانین قرارداد یک طرفه تنظیم شده است و آن ها مجبورند در هر شرایطی کار کنند. کارگران از حق اعتصاب، تنها ابزار مقابله

با سوداگری سرمایه دار، محرومند. حکومت که ذاتاً اهرم فشار در دست سرمایه دار در برابر طبقه ی کارگر است، هیچگونه مقاومتی را بر نمی تابد، اعتراضات کارگری به شدت سرکوب می شود و مطالبات برحق آن ها نادیده انگاشته می شود.

سرکوب و وحشیانه ای تحصن کارگران ذوب مس خاتون آباد که اخیراً توسط رژیم جنایتکار و ضد کارگر ایران انجام شد، نمونه ی روشنی است از وضعیت بسیار وخیم طبقه ی کارگر در کشورهای با سرمایه داری ناقص نسبت به کارگران کشورهای صنعتی جهان. وضعیتی که در آن کارگران از حقوق اساسی خود چون اعتصاب و تشکیل تشکل های مستقل کارگری محروم و به همین علت بسیار آسیب پذیر هستند.

استان محروم کرمان با توجه به قرار گرفتن در حاشیه ی کویر و وجود ذخایر قابل توجه فلزی، کشاورزی اندکی داشته و اکثریت جمعیت ساکن را کارگرانی تشکیل می دهند که در مجتمع های استخراج و بهره برداری از معادن مشغول به کار هستند. در سال های اخیر با اجرای طرح خصوصی سازی و افزایش کارگران قراردادی، محرومیت مردم منطقه افزایش یافته است. کارگران به طور ادواری استخدام می شوند و پیش از آن که سابقه ی کارشان بالا رود به دلخواه کارفرما اخراج می شوند. پایین بودن سطح زندگی مردم نیز منجر می شود به پایین تر بودن دستمزد کارگر این مناطق نسبت به پرداختی سرمایه دار به کارگران شهرهای مرکزی و غیر محروم. اما در کنار این همه محرومیت، رژیم جنایتکار سرمایه، نیروهای خود را تا دندان در مقابل این مردم ستمدیده مسلح کرده است. در اکثر شهرهای استان کرمان در کنار بافت قدیمی شهر و خانه های خشت و گل کارگران ساختمان های مدرنی

احداث شده اند که مزدوران نظام را سکونت می دهند، مزدورانی که در غارت و چپاول مردم بازوی اصلی سرمایه داران هستند.

سبعیت نظام در واقعه ی اخیر، بار دیگر کارگران را بهتزده کرد. زمانی که هنوز ویرانه های بم و کشته شدن پنجاه هزار انسانی که در اثر سیاست های جنایتکارانه ی حکومت اسلامی جان خود را از دست دادند، از خاطر نرفته است، تحصن کارگران ذوب مس با کشته شدن چهار کارگر و زخمی شدن صدها نفر شکسته می شود و یگان های ویژه برای سرکوب کارگرانی وارد عمل می شوند که زیر فشارهای رژیم به تحصن متوسل شده اند.

نکته ی حائز اهمیت سانسوری است که رسانه های جمهوری اسلامی در مورد خبر کشتار کارگران انجام می دهند. روزنامه های چپ و راست که همواره اعتراضات کارگری را سانسور کرده و سعی در بی اهمیت جلوه دادن سرکوب کارگران دارند، این بار نیز ماهیت ضد مردمی خود را فاش کردند. حال این را مقایسه کنید با گزارشات لحظه به لحظه از تحصن نمایندگان غیرمردمی مجلس که در دعوای جناح های حکومت بر سر قدرت، خانه ی ملت! را سالن دید و بازدید خود کرده اند!

اما حادثه ی تلخ امروز علی رغم هزینه های اسفبارش ، این دستاورد را دارد که به کارگران نشان می دهد، در وضعیت حاضر تنها با اتحاد و صف آرای منظم در مقابل رژیم سرمایه می توانند به مطالبات صنفی و سیاسی خود دست یابند.

رُزَا جوان

۶ بهمن ۱۳۸۲

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری